

خیر و شر در افسانه‌های ایرانی و آلمانی

پولک اصلانخانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۰

سیدمسعود سلامی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۸

چکیده

افسانه‌ها که از ارکان مهم ادبیات همه اقوام در سراسر دنیا به شمار می‌روند، با زبانی سمبولیک و در قالب داستان‌هایی خارق‌العاده ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها را به تصویر می‌کشند و بدین ترتیب از منابع مهم تحقیق در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی محسوب شوند. با بررسی تطبیقی قصه‌ها از یک سو می‌توان به اندیشه و تفکری که پایه و اساس آن‌هاست پی برد و از سوی دیگر مسائل مشترک اقوام و ملل سراسر دنیا را روشن کرد. از مهم‌ترین و برجسته‌ترین انواع افسانه، افسانه‌های جادویی یا قصه‌های پریان هستند که حوادث و رویدادهای خارق‌العاده و ماورای طبیعی را در جهانی غیر واقعی و خیالی به تصویر می‌کشند. از آنجا که دوگانگی از ارکان مهم افسانه‌های جادویی و از موتیف‌های اصلی قصه‌های پریان محسوب می‌شود، لذا بررسی تطبیقی این عنصر و نیز نقش قهرمان در تقابل خیر و شر در افسانه‌های ایرانی و آلمانی، جهت روشن کردن تشابهات و تفاوت‌های دو فرهنگ، از اهداف مهم تحقیق پیش رو است.

کلیدواژگان: قصه پریان، دوگانگی، قهرمان، تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران- ایران.

pkasl1975@gmail.com

** عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران- ایران.

drmsalami@yahoo.com

مقدمه

افسانه‌ها از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات عامیانه محسوب شده و پایه و اساس ادبیات اقوام و ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. این متون سنتی بسیار قدیمی و کهن بوده و قدمت آن‌ها در تاریخ زندگی بشر، بیش از سایر گونه‌های ادبی است. مهم‌ترین ارزش این داستان‌های خارق‌العاده اما در این است که بازمانده‌های جهان بینی انسان‌های دوران باستان را در خود نگاه داشته‌اند (لوتی، ۲۰۰۵ م: ۷۶). بدین سبب می‌توان گفت که افسانه‌ها از جمله منابع مهم تحقیق در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شوند، چراکه همچون گنجینه‌هایی ارزشمند، میراث فرهنگی و سنت‌های اقوام و ملل در سراسر دنیا را در خود حفظ کرده‌اند؛ گنجینه‌هایی که می‌توانند پل‌های ارتباطی میان جوامع و فرهنگ‌ها زده و با نمایان کردن وجوه مشترک فراوان، امکان گفتمان میان این اقوام را فراهم سازند. بررسی تطبیقی افسانه‌های سرزمین‌های مختلف بدین سبب حائز اهمیت است که در وهله نخست از این طریق می‌توان به جهان بینی‌هایی که مبنا و پایه این قصه‌هاست پی برد. علاوه بر آن، ارتباطات و تشابهات فرهنگی جوامع مختلف در این بررسی‌ها مشخص می‌شوند (مارزلف، ۱۳۹۱ ش: ۱۵).

در تحقیق پیش رو، از میان انواع گوناگون قصه‌ها، تنها افسانه‌های جادویی، به عنوان مهم‌ترین و متنوع‌ترین گروه از انواع این گونه ادبی، مورد بررسی قرار می‌گیرند. علاوه بر جادو و عناصر خارق‌العاده و ماورای طبیعی که از اجزای مهم و غیر قابل تفکیک این داستان‌ها محسوب می‌شوند، از دیگر موتیف‌های اساسی و بنیادین که در همه افسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کند، دوگانگی خیر و شر است؛ نبرد میان دو عنصر متضاد، موضوعی که در همه فرهنگ‌ها به گونه‌ای قابل مشاهده است و هسته اصلی و درونمایه بیش‌تر قصه‌ها را تشکیل می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۹۰ ش: ۶۲). خیر و شر در افسانه‌ها کاملاً متمایز از یکدیگر بوده و در شخصیت‌های متضاد داستان تجلی پیدا می‌کنند. این شخصیت‌ها همواره مقابل یکدیگر قرار گرفته و نبرد همیشگی دو عنصر خیر و شر را به تصویر می‌کشند. قهرمان قصه، شخصیت اصلی و محوری داستان نیز همچون دیگر شخصیت‌ها درگیر این نبرد دائمی بوده و در بیش‌تر موارد نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز را ایفا می‌کند (بتلهایم، ۲۰۱۳ م: ۱۴۸).

در این نبرد، همواره نیکی بر بدی پیروز است و قهرمان نیک سرشت در نهایت شخصیت‌های شریر را شکست داده و آن‌ها را از میان برمی‌دارد (میرصادقی، ۱۳۹۰ ش: ۶۲). خوب در پایان پاداش گرفته و اهریمن مجازات می‌شود و به سزای اعمال خود می‌رسد. به این ترتیب می‌توان گفت که قصه‌ها همواره مَبْلَغ سرشت نیک و یزدانی‌اند (خدیش، ۱۳۹۱ ش: ۲۱). تحقیق پیش رو به بررسی تطبیقی موضوع "دوگانگی خیر و شر" در تعدادی از افسانه‌های ایرانی و آلمانی می‌پردازد. نگارنده بر این باور است که مقایسه افسانه‌های دو سرزمین می‌تواند دریچه‌ای، هرچند کوچک، به فرهنگ، اعتقادات و باورهای این اقوام بگشاید و از این طریق می‌توان به تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها پی برد. از آنجا که خیر و شر در افسانه‌ها عمدتاً در قالب شخصیت‌های متضاد داستان ظاهر می‌شوند، لذا این شخصیت‌ها به عنوان نماینده‌های دو عنصر خیر و شر مورد بررسی قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. نقش قهرمان داستان، به عنوان نماینده اصلی خیر، بخش مهمی از این تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد. منابع تحقیق کتاب‌های «افسانه‌های ایرانی» اثر محمد قاسم زاده و «مجموعه کامل قصه‌ها و افسانه‌های برادران گریم» ترجمه هرمز ریاحی، نسرین طباطبایی و بهزاد برکت هستند. مجموعه «افسانه‌های ایرانی» اثر محمد قاسم زاده که بیش از ۴۰۰ قصه را در بر می‌گیرد، منبع مناسبی برای تحقیق در افسانه‌های ایرانی محسوب می‌شود؛ از سوی دیگر، مجموعه «قصه‌های برادران گریم» که شهرت جهانی داشته و در سراسر دنیا به زبان‌های مختلف ترجمه شده است، بهترین منبع و مرجع در زمینه این نوع داستان‌ها در زبان و ادبیات آلمانی است. در انتخاب قصه‌ها در وهله نخست تلاش بر این بوده است که مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین افسانه‌ها از هر دو مجموعه مورد بررسی قرار گیرند. البته شباهت‌های محتوایی و موضوعی و نیز تشابهات قهرمان‌های داستان‌ها نیز در این انتخاب نقش قابل توجهی داشته‌اند.

پیشینه تحقیق

تا کنون تحقیقات بسیاری در زمینه افسانه‌های جادویی در کشورهای ایران و آلمان به صورت مستقل و جداگانه انجام گرفته و مقالات و کتب متعددی منتشر شده است.

پژوهش‌گران و نویسندگان بزرگی نظیر یاکوب‌گریم، ویلهلم‌گریم، برونو بتلهایم و ماکس لوتی مطالعات گسترده‌ای در حوزه افسانه‌های آلمانی انجام داده‌اند. در زمینه قصه‌های ایرانی نیز محققانی نظیر سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، صادق هدایت، جلال ستاری، اولریش مارزلف و پگاه خدیش، آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند. آثار پژوهش‌گران مذکور را می‌توان از منابع مهم تحقیق در قصه‌های ایرانی و آلمانی برشمرد. پژوهش‌گران مذکور و سایر محققین افسانه‌ها را از جنبه‌های گوناگون ادبی، ساختاری، روان‌شناسی، تاریخی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله مباحث مهم و مورد توجه در زمینه مطالعه افسانه در ایران و آلمان، بررسی دو عنصر خیر و شر است و پژوهش‌های متعددی در این حوزه در هر دو فرهنگ صورت گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان مقاله فارسی «نشانه‌های پلیدی و پاکی و خیر و شر در قصه‌ها و افسانه‌ها» نوشته رحمان احمدی ملکی و تحقیق آلمانی «اشکال ظهور عنصر شرارت در افسانه‌ها» نوشته گابریل پاتیلون را نام برد. در این مقاله‌ها نویسنده دوگانگی خیر و شر و تقابل این دو عنصر متضاد را در افسانه‌ها و قصه‌های سرزمین خود مورد بررسی قرار داده است.

با مطالعه در نشریات و سایت‌های اینترنتی مشخص شد که بررسی تطبیقی "دوگانگی خیر و شر" در افسانه‌های ایرانی و آلمانی مبحثی جدید است که تا کنون موضوع تحقیق پژوهش‌گران و دانش پژوهان نبوده است. نگارنده بر این باور است که تحقیق پیش رو می‌تواند با روشن کردن تشابهات و تفاوت‌های دو فرهنگ، پلی ارتباطی میان این اقوام زده و امکان شناخت بیش‌تر مردم این کشورها از یکدیگر را فراهم سازد.

دوگانگی خیر و شر در افسانه‌های جادویی

همچنان که پیش از این ذکر شد، موتیف "دوگانگی خیر و شر" یکی از عناصر مهم و غیر قابل تفکیک در افسانه‌ها است. نبرد میان خیر و شر موضوعی است که در همه فرهنگ‌ها به گونه‌ای ظاهر شده، حتی در ادبیات اقوام و ملت‌ها نیز بازتاب پیدا می‌کند (بتلهایم، ۲۰۱۳: ۳۶). در همه ادیان سخن از تضاد خیر و شر به میان آمده و بحث خدا و شیطان مطرح می‌شود. در آموزه‌های زرتشتی اهریمن مظهر شرارت و آفریننده همه

پلیدی‌هاست. اهریمن، این روح مخرب، در مقابل روح مقدس یا سپند مینو قرار گرفته و نبردی دائمی و همیشگی را با او آغاز می‌کند. این نبرد تا پیروزی کامل نیروهای اهورایی و نابودی سپاهیان اهریمن ادامه خواهد داشت (بهار، ۱۳۸۴ش: ۱۰۰). وظیفه آدمی در این نبرد ابدی و ازلی، یاری رساندن به آفرینش اهورایی است (مختاری، ۱۳۷۹ش: ۱۰۸). دین اسلام نیز خیر و شر را به وضوح تفکیک کرده و از آن‌ها به عنوان دو عامل تعیین‌کننده در مسیر کمال انسان یاد کرده است. بر این اساس هرچه مایه تکامل بشر و سوق او به طرف الله شود خیر و هرچه باعث تنزل و انحطاط و دوری از خدا شود، شر است. هر کمالی خیر و هر عدم کمالی شر است. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه فرموده: «خداوند سبحان کتاب هدایت‌کننده‌ای را فرستاد و خیر و شر را در آن تبیین فرمود، پس راه خیر را پیش بگیرید که هدایت می‌شوید و از جانب شر متمایل و منحرف شوید تا در مسیر مستقیم قرار گیرید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶: ۱۳۷).

انجیل نیز که عمیق‌ترین احساسات و ادراکات انسان را بیان می‌کند، تصویری آشفته و درهم از روز ازل ارائه می‌دهد. پس از گذار از این آشفتگی و هرج و مرج، خداوند نور را از تاریکی تفکیک کرده و با ایجاد این تمایز پایه و اساس دوالیسم را بنا می‌کند (بتلهایم، ۲۰۱۳م: ۸۷).

تضاد و دوگانگی که به صورت گرایش‌ها و تمایلات متضاد و دوگانه در طبیعت انسان نیز وجود دارد، در افسانه‌ها هم بازتاب پیدا کرده است. این دو جنبه متضاد روح انسان همواره در مسیر حوادث داستان با یکدیگر در تقابل هستند (بتلهایم، ۲۰۱۳م: ۹۲). تقابل دو عنصر متضاد خیر و شر در افسانه‌های ایرانی و آلمانی هر دو به روشنی مشهود است و پیش از هر چیز در شخصیت‌های داستان تجلی می‌یابد. شخصیت‌های نیک و شریر که در واقع جنبه‌های متضاد روح انسان را به تصویر می‌کشند، همواره در طی داستان مقابل هم قرار گرفته و در بسیاری موارد حتی در جنگ و نبرد با یکدیگر هستند (همانجا). عنصر شرارت در افسانه‌ها همانند عنصر نیکی و خیر، حضوری پررنگ و ملموس دارد و هر یک از این عناصر نقش مشخص خود را در شخصیت‌های متضاد داستان ایفا می‌کنند. همین تضاد و دوگانگی است که در واقع مشکلی اخلاقی را بیان کرده و در پی آن جنگ و تلاش برای غلبه بر آن طلب می‌کند (همان: ۱۵). خیر و شر در

افسانه‌ها کاملاً از یکدیگر تفکیک شده‌اند و همواره مرز مشخص و روشنی بین آن‌ها وجود دارد. شخصیت‌های قصه‌ها هر یک به تنهایی دارای خصوصیات متناقض نیستند؛ به عبارتی دیگر، هم‌زمان هم خوب و هم بد نیستند، بلکه به صورت تیپ‌های متضاد شخصیتی تصویر می‌شوند: این شخصیت‌ها یا کاملاً زیبا و خوب و یا بر عکس، کاملاً زشت و بد هستند (لوتی، ۲۰۰۵ م: ۳۴-۳۵).

افسانه چنین تصویری از دنیا ارائه می‌دهد: شخصیت‌های آن یا خوب و یا بد هستند. یکی از والدین خوب و مهربان و دیگری بد جنس و شریر است. حیوانات داستان نیز از این قاعده مستثنی نیستند: این موجودات یا درنده و خطرناک بوده و یا به عنوان یاری‌گر و بهترین دوست قهرمان ظاهر می‌شوند (بتلهایم، ۲۰۱۳ م: ۸۸). کودکان به عنوان شخصیت‌های افسانه‌های جادویی همواره شخصیتی مثبت را نشان می‌دهند. کودک قصه، هیچ‌گاه تحت تأثیر احساسات انتقام‌جویانه قرار نمی‌گیرد، حتی اگر مورد بی‌عدالتی و ظلم واقع شود. نمونه بارز چنین شخصیتی، سیندرلا است که با وجود شرارت ناخواهرهای بدجنس خود، هیچ‌گاه خواستار مجازات آن‌ها نیست (همان: ۸۵).

از میان شخصیت‌های متفاوت و گوناگون قصه، قهرمان داستان نماینده خیر و نیکی است که در مقابل بدی و شرارت قرار می‌گیرد. برادرها و یا خواهرهای قهرمان اما، شخصیت‌های متقابل و متضاد او را ارائه می‌دهند. شخصیت‌هایی نظیر نامادری و مادرشوهر نیز همواره به عنوان شخصیت‌های منفی و نماینده عنصر شرارت حائز اهمیت هستند (لوتی، ۲۰۰۵ م: ۱۸).

چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد، موضوع افسانه‌ها درباره پیروزی بر شریر و پیش از همه پیروزی بر عنصر شرارت درون انسان است که در قصه به صورت شخصیت مقابل قهرمان ظاهر می‌شود (بتلهایم، ۲۰۱۳ م: ۱۴۸). عامل شرارت که در قالب نیروی غول و اژدها، هنر جادوی جادوگر، و یا یک شخصیت دانای کل نمود پیدا می‌کند، ممکن است در روند حوادث داستان، به طور موقت به پیروزی دست یافته و جایگاهی را که حق قهرمان است، تصاحب کند. در پایان اما، خیر و نیکی پیروز خواهد بود و بدی و شرارت را شکست خواهد داد. آرزو و باور افسانه‌ها بر پیروزی خیر بر شر، ضعیف بر قوی و

شخصیت‌های حقیر و کوچک بر افراد مغرور و خود پسند است. این امر مبین جهان بینی سرشار از خوش بینی و مثبت اندیشی قصه‌هاست (همان: ۱۵).

از دیگر ویژگی‌های مهم افسانه‌ها در راستای بررسی دو عنصر خیر و شر، مجازات شریر در پایان داستان است. شخصیت شریر که در نهایت مجازات می‌شود، خود به تنهایی عامل ناکامی خویش است و شرارت خود اوست که سرنوشتی غم انگیز برایش رقم می‌زند (لوتی، ۲۰۰۵ م: ۷۱). مجازات عناصر شریر در افسانه‌ها ضامن برقراری مجدد نظم و عدالت بوده و موجبات رضایت خواننده داستان را فراهم می‌کند (دیکمن، ۲۰۱۴ م: ۲۰).

قهرمان قصه، به عنوان شخصیت اصلی و محوری داستان، چه در افسانه‌های ایرانی و چه در افسانه‌های آلمانی، نقشی کلیدی در تقابل خیر و شر ایفا می‌کند. این شخصیت که در کانون قرار گرفته و وجود دیگر شخصیت‌های قصه وابسته به وجود اوست، درگیر جنگ بین خیر و شر شده و وظیفه دارد، نیروهای شریر را شکست دهد (لوتی، ۲۰۰۴ م: ۱۲۳). بدین سبب بررسی نقش قهرمان، در بررسی تقابل دو عنصر خیر و شر در افسانه‌ها حائز اهمیت بوده و باید مورد مطالعه قرار گیرد.

قهرمان افسانه جادویی در مسیر خود برای رسیدن به هدف باید بر مشکلات زیادی غلبه کرده و از موانع بسیاری عبور کند. او بدون ترس از خطرات پیش رو و یا شکست و ناکامی، به سوی هدف خود گام برمی‌دارد (بتلهایم، ۲۰۱۳ م: ۱۸). گاهی باید با موجودات شریر و یا نیروهای ماورای طبیعی مبارزه کند. در مواردی دیگر حیوانات وحشی و خطرناک و یا شاهزاده خانمی طلسم شده سر راه او قرار می‌گیرند که او باید حیوان وحشی را شکست داده و شاهزاده خانم را از اسارت طلسم رها کند. همه این اقدامات در راستای رسیدن به هدف اصلی قهرمان و یا به عبارتی دیگر، پیروزی بر عناصر شریر داستان است (لوتی، ۲۰۰۵ م: ۶۱).

خیر و شر در افسانه‌های ایرانی

شاید بتوان ادعا کرد که همه جوامع بشری به احتمال بسیار زیاد، اصل دوگانگی خیر و شر را باور داشته‌اند و دوالیسم در همه ادیان باستانی بازتاب پیدا کرده است، اما این

اصل در ایران به مراتب گسترده‌تر و ریشه‌دارتر از سایر ملل است. به همین علت اعتقاد به نیروهای ایزدی و اهریمنی در سرتاسر آفرینش یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی ادیان ایران باستان است. تأثیر تفکر دوالیسم بر فرهنگ ایرانی چنان عمیق بوده که حتی پس از ظهور دین زرتشتی و پیدایش یکتاپرستی نیز این اصل همچنان پابرجا مانده است. بر اساس آموزه‌های زرتشتی، نبرد میان خیر و شر همه جا در سراسر جهان تا شکست و نابودی کامل شر ادامه خواهد داشت (بهار، ۱۳۸۶ ش: ۴۰). بر این اساس، جهان بینی دوالیستی در افسانه‌های جامعه ایرانی نیز بازتابی گسترده پیدا کرده و به صورت رو در رویی شخصیت‌های متضاد قصه و یا به عبارتی دیگر، شخصیت‌های نیک و بد به تصویر کشیده می‌شود. تقریباً در همه قصه‌ها قهرمان داستان با شخصیت‌های شریر و یا دشمنان خارق العاده نظیر جادوگران و غول‌ها روبه‌رو شده و در مسیر خود درگیر ماجراهای عجیب و غیر قابل باور متعددی می‌شود. قهرمان به عنوان نماینده خیر و نیکی در راستای عدالت و مقابله با ظلم و بی عدالتی گام برمی‌دارد؛ دشمن او در جریان داستان اما، سمبل شرارت و بدی مطلق است. (داستان‌های عامیانه ایران، ۱۶م.م).

قهرمان افسانه ایرانی به صورت‌های مختلف با عناصر شرارت رو در رو شده و به مقابله برمی‌خیزد. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱. مبارزه با شخصیت‌های شریر ماورای طبیعی:
 - مبارزه با دیو شریر، قطع کردن پای دیو با یک ضربه شمشیر و نجات دختر پادشاه / ملک محمد و دیو یک پا (قاسم زاده، ۱۳۹۲ ش، ج ۱: ۵۴-۵۲)
 - کشتی گرفتن با دیوهای شریر و شکست آن‌ها / برگ مروارید (همان: ۴۳)
 - مبارزه با دیوهای شریر، از پای درآوردن آن‌ها با یک ضربه شمشیر و نجات دخترهای اسیر / باغ سیب (همان: ۱۰۲)
 - کشتن اژدهای شریر با شمشیر و نجات پسر پادشاه. پیروزی بر اژدهای دریا و نجات جوانان آن دیار / جان تیغ و چل گیس (همان: ۸۰-۷۷)
 - از پای درآوردن اژدهای سیاه با یک ضربه شمشیر و نجات جوجه‌های سیمرغ / گل به صنوبر چه کرد (همان: ۱۲۱)
۲. مبارزه با حیوانات وحشی:

- از پای درآوردن دو شیر وحشی و نجات مردم شهر؛ نجات جوجه‌های سیمرغ از چنگال مار وحشی / باغ سیب (همان: ۱۰۵-۱۰۳)
- رام کردن دو شیر درنده و بستن آن‌ها به گاو آهن؛ نصف کردن ماهی بزرگ و خطرناک چاه آب و نجات دختر پادشاه / گل به صنوبر چه کرد (همان: ۱۲۰)
- ۳. باطل کردن طلسم و جادوی دیگر شخصیت‌های داستان:
 - ورود به باغ جادویی و باطل کردن طلسم دختر پریزاد / برگ مروارید (همان: ۴۳)
 - در مسیر قهرمان افسانه ایرانی و در تقابل او با عنصر شرارت، عوامل و ابزارهای گوناگونی موجب پیروزی تحقق هدف نهایی می‌شوند:
 ۱. دریافت کمک از یاری‌گر، موجودات فرا زمینی و یا ابزار جادویی:
 - یاری حضرت علی (ع) در بازگرداندن سلامتی قهرمان / ملک محمد و دیو یک پا (همان: ۵۰)
 - بازگرداندن قهرمان به روی زمین و اهدای پر جادویی به او توسط سیمرغ / باغ سیب (همان: ۱۰۶-۱۰۵)
 - یاری کبوترهای سخنگو در زنده کردن کودک مرده قهرمان به وسیله برگ‌ها و شاخه‌های درخت جادویی / بی بی ناردونه (همان: ۱۸۹-۱۸۸)
 - آگاه شدن قهرمان از اهداف شوم نامادری توسط کلاغ سخنگو / پسر پادشاه و پیرزن (همان: ۲۸۱)
 ۲. استفاده از نیرو و توان بدنی خود:
 - کشتی گرفتن با دیو شریر، شکست او و انداختن حلقه غلامی به گوش دیو / برگ مروارید (همان: ۴۳)
 - مبارزه طولانی و طاقت فرسا با زنی که دارای قدرت‌های ماورای طبیعی است و شکست او / ملک جمشید و چل گیس بانو (همان: ۶۹)
 - مبارزه با دیوهای شریر، شیرهای وحشی، اژدها و مار خطرناک و شکست این موجودات با نیرو و توان بدنی خود / باغ سیب (همان: ۱۰۶-۱۰۲)
 ۳. استفاده از هوش و ذکاوت:

- نشان دادن دهانه کوزه به دیو ابله به عنوان مسیر عبور، وارد شدن سر دیو در داخل کوزه و غرق شدن او در اعماق دریا/ جان تیغ و چل گیس (همان: ۷۹-۸۰)
۴. پاکی و خوش قلبی قهرمان:
- یاری پیرمرد مهربان به قهرمان در راه رسیدن به سیب خندان، نار گریان و مرغک چینی به سبب پاکی و خوش قلبی پسر جوان/ پسر کاکل زری و دختر دندون مروارید (همان: ۱۴۳)
۵. صبوری:
- صبوری و سکوت قهرمان پس از باطل کردن طلسم شاهزاده تا روشن شدن حقیقت با حکایت داستان زندگی خود برای سنگ صبور/ سنگ صبور (قاسم زاده، ۱۳۹۲ش، ج ۲: ۴۹۷-۴۹۸)
۶. زیبایی قهرمان زن که سمبل کمال اوست:
- عشق فرمانروای جوان به قهرمان زیباروی که توسط نامادری شیر مسموم شده است و زنده کردن دوباره دختر جوان با بیرون آوردن انگشتر سمی از دست او/ بی بی ناردونه (قاسم زاده، ۱۳۹۲ش، ج ۱: ۱۸۸)
- عشق شاهزاده به دختر زیبایی که به دست مادر شیرش مسموم شده است و دوباره زنده کردن قهرمان با شست و شوی او در هفت حوض شیر/ خانم ناری (همان: ۴۱۶)
- علاوه بر شخصیت‌های شیر ماورای طبیعی نظیر دیو، پری و اژدها و نیز حیوانات وحشی، دیگر شخصیت‌های شیر در افسانه‌های ایرانی عموماً در قالب‌های زیر به تصویر کشیده می‌شوند:
۱. نامادری و یا مادر بد جنس:
- حسادت نامادری شیر به زیبایی دختر خوانده و اقدام به قتل او/ بی بی ناردونه (همان: ۱۸۷-۱۸۸)
- مسموم شدن دختر قهرمان قصه توسط مادر بی رحم و بدجنس به درخواست شوهر شیر/ خانم ناری (همان: ۴۱۶)
۲. جادوگر و پری بد جنس:

- تلاش پری‌های شریر جهت کشتن قهرمان قصه و برادر های او / ملک محمد و دیو یک پا (همان: ۶۱-۵۹)
۳. خواهرهای قهرمان زن:
- تعویض دوقلوهای تازه متولد شده ملکه با دو توله سگ توسط خواهرهای بدجنس و حسود او / پسر کاکل زری و دختر دندان مروارید (همان: ۱۴۱)
۴. برا درهای حسود قهرمان مرد:
- سرنگون شدن قهرمان قصه در چاه به دست برادرهای حسود در نتیجه موفقیت او در بدست آوردن طوطی با قفس طلایی / ملک محمد و دیو یک پا (همان: ۶۴)
- رها شدن قهرمان در چاه توسط برادرهای بزرگ‌تر / باغ سیب (همان: ۱۰۳)
- سرنگون شدن قهرمان قصه در چاه توسط برادرهای شریر و حسود در نتیجه موفقیت او در بدست آوردن برگ مروارید / برگ مروارید (همان: ۴۴)
۵. پدر قهرمان:
- اقدام به کشتن تنها پسر توسط پدر شریر به دلیل عشق چل گیس / جان تیغ و چل گیس (همان: ۸۳)
- حسادت به فرزند، اقدام به نابودی او و نابینا کردن پسر جوان به دلیل عشق چل گیس / ملک جمشید و چل گیس بانو (همان: ۷۳)
- در بیش‌تر افسانه‌های ایرانی، شخصیت شریر داستان در پایان به سزای اعمال خود رسیده و مجازات می‌شود. مجازات شخصیت‌های شریر اغلب به روش‌های زیر صورت می‌گیرد:
- مسموم شدن و مردن پادشاه بی رحم و سنگدل با غذای مسمومی که خود برای نابودی تنها فرزندش در نظر گرفته است / جان تیغ و چل گیس (همان: ۸۳)
- گردن زدن پدر شریری که فرزند خود را نابینا کرده است / ملک جمشید و چل گیس بانو (همان: ۷۴)
- بستن نامادری بدجنس به دم یک چارپای چموش و رها کردن او در بیابان به دلیل کشتن فرزند قهرمان قصه / بی بی ناردونه (همان: ۱۸۹)
- البته به ندرت نیز می‌توان دید که قصه ایرانی بدون مجازات شریر به پایان می‌رسد:

- عدم مجازات برادرهای حسود و بدجنس ملک محمد(قهرمان) که او را در چاه سرنگون کرده و تنها رها کرده‌اند/ ملک محمد و دیو یک پا(همان: ۶۵)
- بخشش برادرهای شریر که قصد جان برادر کرده‌اند و انصراف از مجازات آن‌ها توسط قهرمان خوش قلب و مهربان/ باغ سیب(همان: ۱۰۸)
- سرانجام بی مجازات مادر بدجنس که بارها اقدام به کشتن تنها دختر خود کرده است/ خانم ناری(همان: ۴۱۷)

خیر و شر در افسانه‌های آلمانی

اسطوره‌ها و روایات مغرب زمین هر یک نشان‌دهنده باورها و اندیشه‌های دوالیستی این جوامع هستند. اسطوره هراکلس(هرکول)، نمونه بارز این داستان‌هاست: هنگامی که او به سن هجده سالگی رسید، زیباترین و قوی‌ترین مرد در سرتاسر یونان بود؛ حال باید انتخاب می‌کرد، که می‌خواهد قدرت خود را در راستای خیر و نیکی و یا بدی و شرارت استفاده کند(بتلهایم، ۲۰۱۳ م: ۴۳). از سوی دیگر، انجیل نیز بر اصل دوگانگی خیر و شر تأکید داشته و بر این باور است که خداوند، نور را از تاریکی جدا کرده و بدین ترتیب دوالیسم را بنیان نهاده است(همان: ۸۷).

این باور در افسانه‌های برادران گریم نیز به وضوح دیده می‌شود. شخصیت‌های این قصه‌ها، به صورت دو قطب کاملاً متضاد ظاهر شده و نبرد میان نیکی و بدی را به تصویر می‌کشند(لوتی، ۲۰۰۴ م: ۲۸). در این افسانه‌ها قهرمان نقش اصلی را در روند حوادث داستان ایفا می‌کند. این شخصیت که نماینده نیکی و خوبی است، درگیر نبرد خیر و شر شده و جهت رسیدن به هدف خود که همانا پیروزی خیر بر شر است، باید از موانع دشوار متعددی عبور کرده و ماجراهای بسیاری را پشت سر بگذارد(لوتی، ۲۰۰۵ م: ۳۰). قهرمان افسانه آلمانی، همانند قهرمان قصه ایرانی، به صورت‌های مختلف با عناصر شرارت رو در رو شده و به مقابله برمی‌خیزد. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱. مبارزه با شخصیت‌های شریر ماورای طبیعی:
- کشتن اژدهای سه سر و نجات شاهزاده خانم/ دو برادر(گریم، ۱۳۸۴ش: ۳۵۰-۳۴۹)
۲. مبارزه با حیوانات وحشی:

- اجابت درخواست پادشاه، مبارزه با گراز وحشی و خطرناک، از پای در آوردن حیوان وحشی و نجات مردم شهر / استخوان آواز خوان (همان: ۱۷۳-۱۷۲)
- ۳. باطل کردن طلسم و جادوی دیگر شخصیت‌های داستان:
- باطل کردن طلسم شاهزاده‌هایی که تبدیل به قو شده‌اند با نخندیدن و سکوت به مدت شش سال / شش قو (همان: ۲۷۷-۲۷۵)
- باطل کردن طلسم برادرهایی که به کلاغ تبدیل شده‌اند و بازگرداندن آن‌ها به صورت انسان با سکوتی طولانی و چندین ساله / دوازده برادر (همان: ۷۰-۶۸)
- نجات شاهزاده طلسم (روباه سخنگو) شده با شلیک به او تبدیل دوباره او به انسان / مرغ زرین (همان: ۳۲۸)
- در مسیر قهرمان افسانه آلمانی و در تقابل او با عنصر شرارت، عوامل و ابزارهای گوناگونی موجب پیروزی تحقق هدف نهایی می‌شوند:
- ۱. دریافت کمک از یاری‌گر، موجودات فرا زمینی و یا ابزار جادویی:
- کمک ژوزف قدیس به قهرمان قصه، محافظت از او و بخشش کیسه‌ای پر از سکه به دختر جوان به سبب مهربانی و نیک سرشتی او / ژوزف قدیس در جنگل (همان: ۹۴۸)
- یاری رساندن کبوترهای سپید به دختر قهرمان قصه در انجام وظایف دشواری که نامادری بدجنس بر او تحمیل کرده است، اهدای لباس‌های فاخر به او برای شرکت در جشن پسر پادشاه و کمک به آشکار شدن حقیقت / سیندرلا (همان: ۱۴۷-۱۴۱)
- کمک مرد کوتوله به قهرمان داستان و اهدای نیزه جادویی به برای از بین بردن گراز وحشی / استخوان آواز خوان (همان: ۱۷۲)
- حضور حیوانات جادویی و یاری آن‌ها به قهرمان در شکست اژدهای شریر و نجات شاهزاده خانم / دو برادر (همان: ۳۵۰-۳۴۹)
- ۲. استفاده از هوش و ذکاوت:
- پی بردن قهرمان زیرک به نیت شوم جادوگر بد جنس، فریب او و هل دادن پیرزن شریر داخل تنور آتش / هنزل و گرتل (همان: ۱۰۴)
- ۳. پاکی و خوش قلبی قهرمان:

- اهدای نیزه جادویی توسط مرد کوتوله به قهرمان به دلیل پاکی نهاد و خوش قلبی او / استخوان آواز خوان (همان: ۱۷۲)
- یاری رساندن روباه سخنگو به شاهزاده جوان در یافتن مرغ زرین به سبب مهربانی و خوش خلقی او / مرغ زرین (همان: ۳۲۱)
۴. صبوری:
- صبوری خواهر وفادار در تحمل سکوتی شش ساله برای نجات برادرهایش و باطل کردن طلسم آن‌ها؛ سکوت در برابر سختی‌ها و ناملایمات بسیار از جمله اتهام قتل و مجازات اعدام / شش قو (همان: ۲۷۵-۲۷۸)
- هفت سال خاموشی و سکوت شاهزاده خانم (صبوری) برای نجات برادرهایش و باطل کردن طلسمی که آن‌ها را به کلاغ تبدیل کرده است / دوازده برادر (همان: ۶۸-۷۰)
- صبوری شاهزاده خانم در تحمل ناملایمات و سختی‌ها، سکوت او در برابر خیانت خدمتکار خائن که خود را شاهزاده و قهرمان را ندیمه معرفی کرده است و در نتیجه آشکار شدن حقیقت و بازگشت قهرمان به جایگاه اصلی خود / دختر غاز چران (همان: ۴۸۵-۴۸۸)
۵. زیبایی قهرمان زن که سمبل کمال اوست:
- عشق شاهزاده جوان به قهرمان زیباروی و بی جان، بردن تابوت شاهزاده خانم، بیرون پریدن سیب سمی از گلوی او با تکان شدید تابوت و زنده شدن زیباروی و ازدواج با شاهزاده جوان / سفیدبرفی (همان: ۳۰۲)
- عشق شاهزاده جوان به شاهزاده خانم زیبا رو و باطل کردن طلسم دختر زیبا با بوسه‌ای و بیدار کردن او از خوابی صد ساله / نسترن وحشی (همان: ۲۸۲-۲۸۳)
- علاوه بر شخصیت‌های شریر ماورای طبیعی نظیر غول، پری و اژدها و نیز حیوانات وحشی، سایر شخصیت‌های شریر در افسانه‌های آلمانی عموماً در قالب‌های زیر به تصویر کشیده می‌شوند:
۱. نامادری بدجنس:
- مسموم شدن دختر زیباروی به دست نامادری حسود و بدجنس / سفیدبرفی. (همان: ۲۹۸-۳۰۰)

- سر به نیست شدن دختر جوان به دست نامادری شریر پس از ازدواج او با پادشاه/ برادر و خواهر(همان: ۷۸)
- ۲. جادوگر و پری بد جنس:
- آرزوی مرگ پری بدجنس برای شاهزاده خانم تازه متولد شده/ نسترن وحشی (همان: ۲۷۹)
- جادوی شش برادر توسط دختر شریر جادوگر و تبدیل آن‌ها به شش قو/ شش قو(همان: ۲۷۴)
- ۳. خواهران و یا خواهرهای ناتنی قهرمان زن:
- اقدام‌های فریبکارانه ناخواهرهای بدجنس و شریر سیندرلا برای رسیدن به شاهزاده و ازدواج با او/ سیندرلا(همان: ۱۴۶-۱۴۵)
- ۴. برادرهای حسود قهرمان مرد:
- ناخرسندی برادر حسود و بدجنس از موفقیت برادر کوچک‌تر در کشتن گراز وحشی، از بین بردن او و معرفی خود به پادشاه به عنوان ناجی شهر/ استخوان آوازخوان (همان: ۱۷۳)
- حسادت برادرهای بزرگ‌تر به قهرمان برای موفقیت او در پیدا کردن آب حیات، خیانت به او و تعویض آب حیات با آب تلخ دریا/ آب حیات(همان: ۵۴۰)
- کینه و حسادت برادرهای بزرگ‌تر قهرمان جوان قصه به سبب موفقیت او در یافتن مرغ زرین، اسب زرین و شاهزاده خانم زیباروی و اقدام به نابودی برادر کوچک‌تر با انداختن او در چاه/ مرغ زرین(همان: ۳۲۷)
- ۵. مادر شوهر:
- بدگویی مادر پادشاه(مادرشوهر) از ملکه جوان به پادشاه و راضی کردن پسر به مجازات عروس/ دوازده برادر(همان: ۶۸)
- ۶. پدر قهرمان:
- دستور قتل فرزند بی گناه به شکارچی توسط پادشاه شریر/ آب حیات(همان: ۵۴۱)

- در بیش‌تر افسانه‌های آلمانی شخصیت‌های شریر در پایان داستان مجازات شده که این مجازات به نوعی ضامن پیروزی خیر بر شر محسوب می‌شود. مجازات شخصیت‌های شریر در افسانه‌های آلمانی به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد:
- اعدام برادرهای شریر قهرمان که قصد جان او را کرده و برادر خود را در چاه انداخته‌اند / مرغ زرین (همان: ۳۲۸)
 - زنده در آتش سوختن مادر شوهر بدجنس به سبب کشتن فرزند ملکه / شش قو (همان: ۲۷۸)
 - محاکمه و محکوم شدن مادر شوهر بدجنس: انداختن او در بشکه‌ای پر از روغن داغ و مارهای سمی / دوازده برادر (همان: ۷۰)
 - در پایان برخی قصه‌های آلمانی اما، سخنی از مجازات شریر به میان نمی‌آید:
 - نامعلوم بودن سرنوشت جادوگر بدجنس در افسانه راپونتسل و پایان داستان بدون مجازات شخصیت شریر / راپونتسل (همان: ۸۶)
 - پایان بی مجازات پادشاهی که قصد جان دوازده پسر خود را کرده است / دوازده برادر (همان: ۷۰)
 - سرنوشت نامعلوم نامادری بدجنس سیندرلا و پایان بی مجازات او / سیندرلا (همان: ۱۴۷)
 - عدم مجازات پری شریر که شاهزاده خانم را جادو کرده و برایش آرزوی مرگ است / نسترن وحشی (همان: ۲۸۳)
 - در برخی افسانه‌های آلمانی، شخصیت شریر داستان خود سرنوشت خویش را رقم زده و مجازاتش را تعیین می‌کند:
 - ندیمه شریر و خیانتکار شاهزاده خانم در قصه دختر غازچران، در پاسخ پادشاه پیر، زمانی که از او می‌پرسد: «چه مجازاتی شایسته خدمتکاری است که با اربابش چنین و چنان کرده باشد...» (همان: ۴۸۸)، می‌گوید: «حق چنین کسی این است که او را برهنه کنند، در بشکه‌ای پر از میخ‌های تیز که دو اسب را به آن بسته‌اند، محبوسش کنند و اسب‌ها آنقدر بشکه را بکشند که مستخدم خائن جان بدهد» (همان).

نتیجه بحث

نتیجه بررسی افسانه‌های ایرانی و آلمانی نشان‌دهنده نزدیکی افسانه‌های این دو قوم به یکدیگر است. تشابهات بسیاری، خصوصاً در زمینه ساختار و محتوا میان قصه‌های ایرانی و آلمانی مشاهده می‌شود. سفرهای ماجراجویانه، عناصر خارق‌العاده، موجودات فرازمینی، شخصیت‌های خوب و بد، مبارزات و قهرمانی‌ها، وظایف و امتحان‌های دشوار، ابزار جادویی و یاری‌دهنده‌های فرازمینی، مجازات‌های سخت و عروسی‌های باشکوه از جمله عناصر مهم و اساسی تشکیل‌دهنده این داستان‌ها محسوب می‌شوند. نبرد همیشگی خیر و شر در همه افسانه‌های جادویی کاملاً مشهود بوده و به روشنی به تصویر کشیده می‌شود. قهرمان به عنوان نماینده خیر و نیکی در مقابل عناصر شریر قرار گرفته و با آن‌ها مبارزه می‌کند. با پیروزی قهرمان و مجازات شریر، پایان خوش، که از دیگر ویژگی‌های بارز یک افسانه جادویی است رقم می‌خورد.

حضور پررنگ عنصر شرارت در روند حوادث داستان، از ویژگی‌های مهم و مشترک میان افسانه‌های ایرانی و آلمانی محسوب می‌شود. شخصیت‌های شریر که در همه قصه‌ها حضوری چشمگیر دارند، در قالب شخصیت‌هایی نظیر اژدها، جادوگر، غول، دیو، حیوانات وحشی و یا انسان‌های شریر نمود پیدا می‌کنند. این شخصیت‌های منفی در سرتاسر داستان حضور پیدا کرده و همواره مشکلات پیچیده و موانع غیر قابل عبوری سر راه قهرمان قصه ایجاد می‌کنند.

قهرمان افسانه ایرانی در مقابله با چنین مشکلات و موانعی، در بیش‌تر موارد تنها با قدرت و زور بازوی خود پیروز شده و اغلب بدون کمک یاری‌گر و ابزار جادویی قادر به شکست موجودات شریر فرازمینی است. این نبرد بیش‌تر به صورت کشتی گرفتن که در واقع از مهم‌ترین و رایج‌ترین انواع مبارزه در افسانه‌های ایرانی است، نمود پیدا می‌کند (برگ مروارید، ملک جمشید و چل‌گیس بانو، باغ سیب). این در حالی است که قهرمان افسانه آلمانی، بدون استفاده از قدرت بدنی خود و تنها به کمک یاری‌گر و ابزار جادویی قادر به شکست عنصر شرارت و عبور از موانع پیش‌رو است (استخوان آوازخوان، آب حیات، مرغ زرین). البته چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، عوامل دیگری نظیر هوش و

ذکاوت و یا زیبایی قهرمان زن نیز موجب موفقیت و در نهایت پیروزی قهرمان می‌شوند؛ این عوامل را می‌توان از ویژگی‌های مشترک افسانه‌های ایرانی و آلمانی برشمرد.

دیوها در افسانه‌های ایرانی را می‌توان با غول‌های قصه‌های آلمانی مقایسه کرد، با این تفاوت که دیوها در برخی افسانه‌ها نقش مثبت ایفا کرده و به عنوان یاری‌گر قهرمان ظاهر می‌شوند (برگ مروارید). دیو و غول هر دو موجودات فرا زمینی هستند که از قدرت‌های ماورای طبیعی برخوردار بوده و اغلب عنصر شرارت را به تصویر می‌کشند.

در هر دو مجموعه افسانه‌های ایرانی و آلمانی، اغلب شخصیت‌های شریر، شخصیت‌های مؤنث داستان، خصوصاً بستگان و اعضای مؤنث خانواده قهرمان هستند. حضور چنین شخصیت‌هایی در هر دو مجموعه قابل ملاحظه است. پیرزن بدجنس، خواهران (ناخواهری‌ها در افسانه‌های آلمانی) حسود و نامادری سنگدل بیش‌ترین فراوانی را دارند. در بسیاری از افسانه‌های ایرانی و آلمانی، نامادری است که عنصر شرارت را به تصویر کشیده و همواره در تلاش است تا زندگی را برای فرزندخوانده‌های خود دشوار و حتی ناممکن کند (سیندرلا). نامادری بدجنس و حسود، در برخی موارد تلاش می‌کند تا فرزندان همسر خود را از میان بردارد. زن شریر می‌خواهد همواره زیباترین باشد و دخترخوانده زیباروی تهدیدی برای او محسوب می‌شود، بنابراین دستور قتل دختر بیچاره را می‌دهد (بی بی ناردونه / سفیدبرفی). این اختلال شخصیتی بیمارگونه که نارسسیسیسم نام دارد، هم در افسانه‌های ایرانی و هم آلمانی قابل رؤیت است.

از جمله ویژگی‌های مشترک افسانه‌های ایرانی و آلمانی رقابت خواهر و برادر است که خود موضوع بسیاری از اسطوره‌ها و افسانه‌ها است. این رقابت که می‌تواند احساساتی نظیر حسادت و کینه را به دنبال داشته باشد، ممکن است در برخی موارد حتی به قتل و مرگ یکی از خواهرها و یا برادرها منجر شود. برادرهای بزرگ‌تر قهرمان قصه، هنگامی که از موفقیت او باخبر می‌شوند، مغلوب حس حسادت خود شده و سعی در از بین بردن برادر کوچک‌تر دارند؛ چراکه ممکن است با موفقیت قهرمان (برادر کوچک‌تر)، سلطنت و یا توجه پدر را از دست بدهند، لذا چاره‌ای جز کشتن برادر برای‌شان باقی نمی‌ماند.

چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد، مجازات شریر در پایان افسانه‌های جادویی از مهم‌ترین بخش‌های افسانه‌ای کامل محسوب می‌شود. تقریباً در همه افسانه‌های ایرانی و آلمانی

مورد بررسی، شخصیت‌های شریر در نهایت به مجازات اعمال خود می‌رسند؛ نکته قابل توجه اما این است که مجازات شخصیت‌های شریر مؤنث، در قصه‌های هر دو فرهنگ، به مراتب سخت‌تر و دلخراش‌تر است. در حالی که مجازات‌هایی نظیر مسموم کردن، دار زدن و گاهی نیز سر زدن، برای مردهای شریر افسانه‌ها در نظر گرفته شده، زن‌ها را زنده زنده در آتش سوزانده و یا درون دیگ‌های جوشان می‌پزند. در مواردی دیگر نیز گیس آن‌ها را به حیوانات چموش بسته و آن‌ها را در بیابان رها می‌کنند. همه این موارد مبین سخت‌تر بودن و دردناک‌تر بودن مجازات شخصیت‌های شریر مؤنث در قصه‌ها و افسانه‌های این دو قوم است که البته می‌تواند به نوعی بیان‌گر شرایط سخت‌تر زنان در دوران پیدایش قصه‌ها باشد، چراکه این قصه‌ها و افسانه‌ها بیان‌گر فرهنگ، آداب و عادات ملت‌ها هستند.



کتابنامه

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

کتاب فارسی

بهار، مهرداد. ۱۳۸۴ ش، **از اسطوره تا تاریخ** (با تجدید نظر و افزوده‌های تازه)، گردآورنده: ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ چهارم، تهران: نشر چشمه.

بهار، مهرداد. ۱۳۸۶ ش، **ادیان آسیایی**، چاپ ششم، تهران: نشر چشمه.

خدیش، پگاه. ۱۳۹۱ ش، **ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی**، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

قاسم زاده، محمد. ۱۳۹۲ ش، **افسانه‌های ایرانی**، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات هیرمند. گریم، یا کوب لودویگ کارل. ۱۳۸۴ ش، **مجموعه کامل قصه‌ها و افسانه‌های برادران گریم**، ترجمه هرمز ریاحی، نشرین طباطبایی، بهزاد برکت، چاپ دوم، تهران: نشر پیکان.

مارزلف، اولریش. ۱۳۹۱ ش، **طبقه بندی قصه‌های ایرانی**، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش.

مختاری، محمد. ۱۳۷۹ ش، **حماسه در رمز و راز ملی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.

میر صادقی، جمال. ۱۳۹۰ ش، **ادبیات داستانی**، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.

کتاب آلمانی

Bettelheim, Bruno (2013), **Kinder brauchen Märchen**, 32. Auflage, München: Deutscher Tashenbuch Verlag.

Dickmann, Axel (2014), **Grimms Märchen von A bis Z: Kleines Lexikon der Märchenmotive**, 1. Auflage, Norderstedt: Books on Demand Verlag.

Lüthi, Max (2004), **Märchen**, Zehnte Auflage, Stuttgart: J.B. Metzler Verlag.

Lüthi, Max (2005), **Das europäische Volksmärchen**, Elfte Auflage, Tübingen: A. Francke Verlag.

Risi, Armin (2015), **Unterscheiden, ohne zu urteilen – Was bedeutet das?**, http://armin-risi.ch/Artikel/Philosophie/Unterscheiden_ohne_zu_urteilen.html.

Volkstümliche Erzählungen aus dem Iran (2016), <http://german.irib.ir/radio-culture/literatur/>

Bibliography

Nahj al-Balagha, Translator Mohammad Dashti.

Persian Bibliography

Bahar, Mehrdad (1386), **Asian Religions**, Sixth Edition, Tehran: Cheshmeh.

Bahar, Mehrdad (1384), **From Mythos to History** (with editorial revision and new additions), Collector: Abolghasem Esmailpour, Fourth Edition, Tehran: Cheshmeh.

Ghasem Zadeh, Mohammad (1392), **Iranian Folktales**, first and second Bands, Second Edition, Tehran: Hirmand.

Grimm, Wilhelm Karl (1384), **The Complete Grimm's Fairy Tales**, Translator: Riahi, Hormoz, Tabatabaei, Nasrin, Barkat, Behzad, Second Edition, Tehran: Peykan.

Khadish, Pegah (1391), **Morphology of Folktales**, Second Edition, Tehran: Elmi & Farhangi.

Marzolph, Ulrich (1391), **Typology of Persian Folk Tales**, Translator Keykavous Jahandari, Third Edition, Tehran: Soroush.

Mirsadeghi, Jamal (1390), **Fiction**, Sixth Edition, Tehran: Sokhan.

Mokhtari, Mohammad (1379), **Epic poetry in national Mystery**, Second Edition, Tehran: Toos.

German Bibliography

Bettelheim, Bruno (2013), **Children need fairy tales**, 32. Edition, Munich: Deutscher Taschenbuch Verlag (dtv Verlagsgesellschaft).

Dickmann, Axel (2014), **Grimm's Fairy Tales from A to Z: Little Lexicon of Fairy Tale Motifs**, First Edition, Norderstedt: Books on Demand GmbH.

Lüthi, Max (2004), **Fairy Tale**, tenth Edition, Stuttgart: J.B. Metzler.

Lüthi, Max (2005), **European Fairy Tales**, eleventh edition, Tübingen: A. Francke.

Risi, Armin (2015), **Distinguish, distinguish without judgement – What does it mean?**

http://armin-risi.ch/Artikel/Philosophie/Unterscheiden_ohne_zu_urteilen.html

Folk Stories from Iran (2016), <http://german.irib.ir/radio-culture/literatur/>.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی